Investigating the Effect of the Theory of Planned Behavior on the Behavior of Taxpayers

- **Sahar Bakhshi** [۱]
- **Mehdi Zolfaghari** [۲]
- **Keyhan Azadi Hir** [۳]

Abstract

The main goal of this research is to test the theory of planned tax behavior in predicting the mood and behavior of taxpayers. The current research is applied research and in terms of descriptive-survey mixed method. To achieve the goal of the research, data was collected from the taxpayers of Rasht using a quantitative method and analyzed with the Structural Equation Modeling (SEM) method. Considering the important role of attitude in explaining tax morale and behavior, it is suggested to inform people about the importance and benefits of taxes for the development of the country and the provision of public resources through the implementation of educational campaigns and appropriate information, so as to strengthen their positive attitude towards taxes. be made The results showed that mental norms in the society play an important role in tax morale and behavior. Therefore, it is recommended to correct the existing negative norms in this field by creating culture and changing public misconceptions about taxes. By educating and informing about the benefits and consequences of tax payment, tax laws and its processes, it is possible to strengthen people's belief in the ability to perform this behavior.

Key words: taxpayers' behavior, intention to pay taxes, structural equations, theory of planned behavior.

[۱] PhD student of Accounting, Department of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

[۲] Assistant Professor, Department of Accounting, Somehsara Branch, Islamic Azad University, Somehsara, Iran. (Corresponding author). Email: zolfaghari.mhd@gmail.com

[۳] Assistant Professor, Department of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

بررسی تاثیر نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر رفتار مودیان مالیاتی

- سحربخشی [۱]
- مهدی ذوالفقاری [۲]
- کیهان آزادی هیر [۳]

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، آزمون نظریه رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی در پیش بینی روحیه و رفتار مؤدیان مالیاتی است. تحقیق حاضر یک تحقیق کاربردی و به به لحاظ روش آمیخته توصیفی-پیمایشی است. برای دستیابی هدف پژوهش، از یک روش کمی، داده ها از مؤدیان مالیاتی شهر رشت جمع آوری و با روش مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل گردیدند. با توجه به نقش مهم نگرش در تبیین روحیه و رفتار مالیاتی، پیشنهاد می شود از طریق اجرای کمپین های آموزشی و اطلاع رسانی مناسب، اهمیت و فواید مالیات برای توسعه کشور و تأمین منابع عمومی به مردم گوشزد شود تا نگرش مثبت آنها نسبت به مالیات تقویت گردد. نتایج نشان داد که هنجارهای ذهنی در جامعه نقش مهمی در روحیه و رفتار مالیاتی دارند. لذا توصیه می شود با فرهنگ سازی و تغییر باورهای غلط عمومی درباره مالیات، هنجارهای منفی موجود در این زمینه اصلاح گردد. با آموزش و اطلاع رسانی درباره مزایا و پیامدهای پرداخت مالیات، قوانین مالیاتی و فرآیندهای آن، می توان باور افراد را به توانایی انجام این رفتار تقویت نمود.

واژگان کلیدی: رفتار مودیان مالیاتی، قصد پرداخت مالیات، معادلات ساختاری، نظریه رفتار برنامه ریزی شده.

[۱] دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

[۲] استادیار، گروه حسابداری، واحد صومعه سرا، دانشگاه آزاد اسلامی، صومعه سرا، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل: zolfaghari.mhd@gmail.com

[۳] استادیار، گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

مقدمه

در چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی هدف حسابداری ساختن یک سامانه مناسب جریان داده ها میان حسابده یا پاسخگو و پاسخ خواه یا صاحبان حق است. در نتیجه حسابداران و حسابرسان دارای نقش کلیدی در زمینه مالیات ستانی و ممانعت از فرار مالیاتی می‌باشند. همچنین مودیان مالیاتی گروهی را تشکیل می‌دهند که با پرداخت مالیات، نقش گسترده‌ای را در توسعه و رونق اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی یک جامعه ایفا می‌کنند در هر کشور تلاش‌های زیادی برای تشویق مودیان به پرداخت مالیات صورت می‌گیرد. زیرا پرداخت مالیات می تواند فعالیت های زیادی را برای توسعه کشور به همراه داشته باشد. با این وجود مودیان همواره انگیزه ای برای پرداخت مالیات ندارند به طوری که گاهی تلاشهای گسترده ای نیز برای فرار مالیاتی صورت می گیرد. این مساله تنها مختص کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه نیست بلکه کشورهای توسعه یافته نیز مواردی از فرار مالیاتی را گزارش کرده اند. بنابراین فرار مالیاتی می تواند به صورت بالقوه در هر کشور رخ دهد و تلاش هر جامعه برای جلوگیری از این پدیده است. این مساله منجر به شناسایی و تحقیق در حوزه عواملی شده است که ممکن است بر جلوگیری از فرار مالیاتی از یکسو و تشویق به پرداخت مالیات مودیان مالیاتی از سوی دیگر موثر باشد. در واقع شناسایی این عوامل در زمره تلاش‌های اولیه محققان داخلی و خارجی قرار داشته است. به ویژه می‌توان از تلاش‌هایی یاد نمود که در کشورهای توسعه یافته برای بهبود رفتار مودیان مالیاتی صورت گرفته است(بخردی نسب و خوشدل، ۱۴۰۱).

تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده یکی از محبوب‌ترین نظریه‌هایی است که در مطالعات اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی و انطباق مالیاتی مورد استفاده قرارگرفته است (تاینگ و چانگ[۱]، ۲۰۲۰). اهمیت این نظریه این است که قصد انجام کاری احتمال انجام آن کار را افزایش می دهد (اووسو و همکاران[۲]، ۲۰۱۹؛ آژن[۳]، ۱۹۹۱). بنابراین، تئوری رفتار برنامه ریزی شده به توضیح رفتار مالیاتی کمک می کند و از این رو بینشی در مورد چگونگی و چرایی برخی رفتارهای مالیاتی یا موارد دیگر ارائه می دهد (کائولو[۴]، ۲۰۲۲). در همین رابطه، نتایج پوترا و عثمان[۵] (۲۰۱۹) نشان داد که نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده، به طور همزمان و به طور معنی داری بر رفتار انطباق مالیات دهندگان تأثیر می گذارد. تا حدی متغیر هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده بر رفتار انطباق مودیان مالیاتی در انجام تعهدات خود

[۱] - Taing and Chang
[۲] - Owusu et al
[۳] - Ajzen
[۴] - Kaulu
[۵] - Putra and Osman

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

در اجرای مالیات تأثیر مثبت دارد. کرچل و همکاران[۱] (۲۰۰۸) توضیح می دهند مالیات دهندگانی که نگرش آنها این است که فرار مالیاتی امری نامطلوب است، قصد دارند از تعهدات مالیاتی خود پیروی کنند، در حالی که مالیات دهندگانی که نگرششان این است که فرار مالیاتی ضرری ندارد، قصد دارند از پرداخت مالیات سرپیچی نمایند. برخی از تحقیقات در مورد مالیات نشان می دهد که اطاعت مالیات دهندگان تأثیر مثبتی بر قصد رعایت مالیاتی دارد(دامایانتی[۲]، ۲۰۱۵). به طور مشابه، مطالعه نگرش رعایت مالیاتی با مالیات دهندگان نشان داد که انطباق به طور مثبت بر قصد رعایت مالیاتی تأثیر می گذارد(ارنواتی[۳]، ۲۰۱۰). همین نتایج تحقیق نیز توسط وینارسیه[۴] (۲۰۱۴) نشان داد که نگرش های منفی باعث افزایش قصد عدم رعایت مالیاتی خواهد شد.

حجم زیادی از تحقیقات در چهار دهه گذشته دلایل عدم تبعیت مالیات دهندگان با قوانین مالیاتی را بررسی کرده است که علیرغم افزایش قابل توجه، به نظر می رسد اکثر تحقیقات به طور مستمر بر اساس مدل اقتصادی انطباق مالیاتی است، البته با برخی تغییرات. پیامی که این رویکرد سنتی به مقامات مالیاتی می‌دهد این است که می‌توان از میزان عدم رعایت مقررات مالیاتی کاست و آن را مدیریت کرد با افزایش جریمه‌های اعمال شده برای هرگونه کمبود پرداخت مالیات یا با افزایش هزینه‌های اداری (یعنی افزایش نرخ حسابرسی که به نوبه خود احتمال کشف تخلفات مالیاتی را افزایش می‌دهد). با این حال، در طول سال‌ها، مدل‌های بازدارندگی اقتصادی انتقادهای فزاینده‌ای از سوی محققان دریافت کرده‌اند، که استدلال اصلی آنها این است که مدل‌ها فرار مالیاتی بیش از حد و رفتار انطباق بسیار کمی را پیش‌بینی می‌کنند، و بنابراین به طور کامل تبعیت یا عدم انطباق مالیاتی را توضیح نمی‌دهند. یکی از نگرانی‌های کلیدی که در طول سال‌ها مطرح شده است و هنوز هم از در تحقیقات مطرح می‌شود، بازدارندگی است. فرض اکثر تحقیقات قبلی در مورد انطباق که شامل یک معیار بازدارندگی است این است که: افزایش سطوح بازدارندگی منجر به افزایش انطباق توسط مالیات دهندگان به دلیل ترس آنها از جریمه شدن برای عدم رعایت آنها می شود. در نتیجه، مدل‌های ترکیبی دیگری (به عنوان مثال، روان‌شناسی اجتماعی و مدل‌های روان‌شناسی مالی) معرفی شدند که شامل طیفی از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی می‌شوند، که تئوری رفتار برنامه ریزی شده یکی از آن ها است. با توجه به انبوهی از تفاوت‌های بالقوه، تصمیم مطابقت با مالیات پرداختی، احتمالاً عوامل روان‌شناختی متفاوتی نسبت به تصمیم برای رعایت مالیات بر درآمد دارد. به طور خاص، هر تفاوتی می تواند فرآیند تصمیم گیری را برای فرد تغییر دهد. بنابراین، اولین قدم مهم در بهبود انطباق مالیات پرداختی،

---

۱ - Kirchler et al
۲ - Damayanti
۳ - Ernawati
۴ - Winarsih

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

شناسایی عوامل مرتبط با تصمیم انطباق مالیاتی است. تحقیق حاضر، عواملی را در نظر می گیرد که برای افراد در هنگام مواجهه با تصمیم انطباق مالیاتی استفاده می شود. این پژوهش در درجه اول منجر به ارزیابی میزان توجه ذینفعان بر شفافیت اطلاعاتی که یکی از ابزارهای مهم در حفظ سلامت بازار و جلب اعتماد فعالان به ویژه سهامداران خرد می باشد، خواهد گشت و در بُعدی دیگر موجب ارزیابی سیاست های مالیاتی دولت می‌شود. طی سالیان اخیر به ویژه در کشورهای توسعه یافته و برخی ازکشورهای در حال توسعه تلاش زیادی برای تاکید بر عوامل تشویقی صورت گرفته است. این عوامل تا حد ممکن بر رفتارهای صحیح کارکنان نهادهای مالیاتی تکیه می کنند. تدوین منشور اخلاقی و اداری برای کارکنان نمونه ای از تلاش‌هایی است که برای بهبود رفتار کارکنان این ادارات و تشویق مودیان مالیاتی به پرداخت مالیات صورت گرفته است. در این منشور مولفه های زیادی برای رفتارهای کارکنان طراحی شده که می تواند مشوق مودیان برای پرداخت مالیات باشد. روابط میان متغیرهای رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی، ویژگی های شخصیتی، روحیه مالیاتی و قصد فرار مالیاتی مورد بررسی قرار می گیرند. در ادامه، نتایج پژوهش با مبانی نظری و پیشینه پژوهشی در این حوزه مقایسه خواهد شد تا میزان انطباق آنها با یافته های موجود مشخص گردد.

مبانی نظری

یکی از پیش نیازهای اداره امور در هر نظام حاکمیتی پویایی فرآیندهای مالیاتی است که می تواند به تقویت سیاست‌های پولی و مالی به عنوان یک ابزار اقتصادی کمک نماید. پایداری مالیات یکی از طرحهای جامع کشورها در مبارزه با فساد و جلوگیری از پولشویی جهت ایجاد برابری و توازن مالیاتی می‌باشد که در طی سال‌های گذشته به ویژه در کشورهای در حال توسعه ای همچون کشور ما مورد توجه ویژه بوده است(فرجی و همکاران، ۱۴۰۲). در هر کشور تلاش‌های زیادی برای تشویق مودیان به پرداخت مالیات صورت می‌گیرد. زیرا پرداخت مالیات میتواند فعالیات های زیادی را برای توسعه کشور به همراه داشته باشد. با این وجود مودیان همواره انگیزه ای برای پرداخت مالیات ندارند. به طوری که گاهی تلاش‌های گسترده ای نیاز برای فرار مالیاتی صورت می‌گیرد این توضیحات محقق را بر این داشت تا نگاه محدودتر و در عین حال دقیق تری بر روی عوامل احتمالی مؤثر رفتاری بر انطباق مالیات دهندگان داشته باشد. چنین عوامل رفتاری به دیدگاه نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده یا نظریه شخصیت برنامه‌ریزی شده اشاره دارد. نظریه برنامه‌ریزی شده نظریه‌ای است که عواملی را در فرد توضیح می دهد که نقش مهمی در پیش‌بینی و تبیین رفتار انسان ایفا می‌کنند. این نظریه تحت تأثیر باورهایی است که بر نگرش ها نسبت به رفتارهای خاص، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی تأثیر می گذارد. هر سه عامل بر قصد تعیین اینکه آیا رفتار انجام خواهد شد یا

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

خیر، تأثیر می‌گذارد (آژن، ۱۹۹۱). بوبک و هتفیلد[۱] (۲۰۰۳) دریافتند که نگرش عدم انطباق مالیات دهندگان تأثیر قابل توجهی بر قصد عدم انطباق مالیاتی دارد. در مقابل، نتایج هدایت و نوگروهو[۲] (۲۰۱۰) نشان دادند که عدم تمکین مالیات دهندگان بر قصد عدم انطباق مالیاتی تأثیر می گذارد. نتیجه مشابهی نیز توسط موستیکسری[۳] (۲۰۰۷) در آزمون عدم انطباق مالیاتی نشان می داد فقط نگرش و کنترل رفتار ادراکی است که بر رفتار عدم انطباق مالیاتی تأثیر مثبت می‌گذارد. در مقابل، نتایج تحقیق پانگستو و راسمانا[۴] (۲۰۱۲) در مورد کارآفرینان مشمول مالیات ثابت کرد که نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی تأثیر مثبتی بر قصد انطباق دارند. شواهد نشان می دهد که وقتی افراد رفتار یک فرد را مشاهده می‌کنند، می‌خواهند تعیین کنند که آیا این رفتار ناشی از شخصیت (عامل درونی) یا موقعیت (عوامل بیرونی) است (منسر و کلیتون[۵]، ۲۰۱۲).

ارزیابی نگرش ها به مزایا یا معایب انجام یا عدم انجام یک رفتار، اشاره دارد. به عبارت دیگر، نگرش ها با سنجش و ارزیابی مزایا و معایب موضوع مورد نظر، عامل اصلی برای تقویت یا ممانعت از رفتار می شوند. با این حال، نگرش و رفتار دو مقوله جدا از هم هستند، نگرش تمایل به رفتار به شیوه های خاصی اشاره دارد. هنجار ذهنی بیشتر مبتنی فشارهای محیط اجتماعی است فرد را به انجام یا عدم عمل خاص باز می دارد یا تقویت می کند. هنجارهای ذهنی بیشتر توسط باورهای هنجاری شکل می گیرند، باورهای هنجاری موجب شکل گیری انتظارات و انگیزه های فردی برای برآوردن انتظارات اطرافیان خواهد شد. این باورهای هنجاری ریشه در گرایش به اتخاذ نگرش سازش گونه با افراد مهم زندگی دارد. این تمایل تا حدی به دلیل تمایل فرد به وابستگی و اجتناب از درگیری با فردی است که مهم تلقی می شود(واوان و دیوی[۶]، ۲۰۱۱). عامل نهایی برای پیش بینی قصد، کنترل رفتار ادراکی است. کنترل رفتاری ادراک شده به درک افراد از سهولت و یا دشواری، میزان کنترل و همچنین دسترسی به منابع موردنیاز برای انجام رفتار را شامل میشود. بنابراین، نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده بر قصد فرد برای انجام رفتاری خاص اثر می گذارد (چن[۷]، ۲۰۱۷). کنترل رفتار ادراکی بر اساس باورهای کنترلی شکل می گیرد. این باور کنترلی تا حدی بر اساس تجربیات گذشته هنگام انجام برخی رفتارها می باشند، اما می تواند از تجربه یا اطلاعات دیگران در مورد دشواری یا سهولت انجام چنین رفتاری به دست آید. کنترل رفتار ادراکی بسیار مهم است

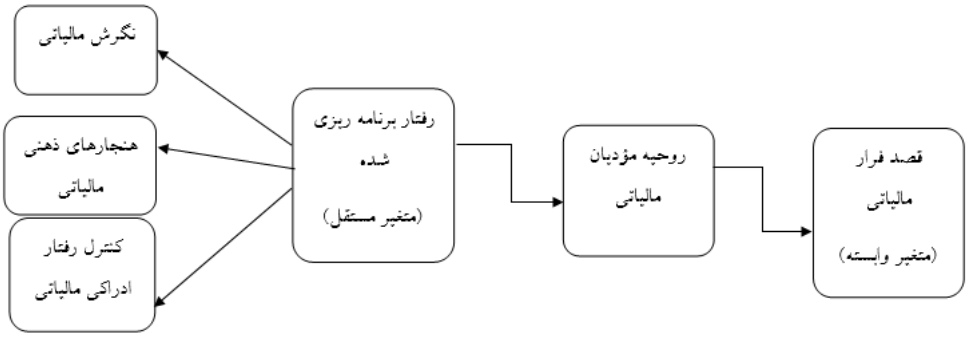
---

۱ - Bobek and Hatfield
۲ - Hidayat and Nugroho
۳ -Mustikasari
۴ - Pangestu and Rusmana
۵ - Mencer and Clayton
۶ - Wawan and Dewi
۷ - Chen

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

زیرا رفتارهای نشان داده شده کاملاً به میل خود فرد نیست. در نظریه رفتار برنامه ریزی شده، کنترل رفتار ادراکی علاوه بر تأثیر مستقیم بر رفتار می تواند تأثیر غیر مستقیمی بر آن داشته باشد. عامل قصد می تواند تبیین گر این تأثیر غیر مستقیم بر رفتار باشد چنانچه فردی از محدودیت انجام رفتار آگاه باشد. قصد خود نشانگر آمادگی فرد برای انجام یک رفتار است و قصد تأثیر مستقیمی بر رفتار دارد. با این حال، ابراز قصد ممکن است در صورتی آشکار شود که رفتار تحت کنترل باشد، یعنی در زمانی که فرد می تواند تصمیم بگیرد که مایل یا عدم تحقق آن عمل باشد(آژن[۱]، ۲۰۰۵). بنابراین وقتی فردی می خواهد برای انجام کاری قصد نماید، ممکن است تحت تأثیر یکی از عوامل هنجارهای ذهنی و نگرش نسبت رفتار یا هر دوی این عوامل قرار گیرد. اگر رفتارهای کاملا تحت کنترل ارادی فرد نباشند، اگرچه ممکن است به میزان بالایی به وسیله نگرش های فرد و هنجارهای ذهنی او برانگیخته شده باشد با مداخله محیطی ممکن است، واقعا انجام رفتار میسرنشود (آووسو و سودزینا[۲]، ۲۰۱۹). تئوری رفتار برنامه ریزی شده براساس پیش بینی رفتارهایی که افراد کنترل ارادی کاملی بر آن ندارند، توسعه یافته است .با توجه به این که تحلیلگران مالی و مالیاتی به عنوان جزیی از ارکان اقتصادی هر کشوری به شمار می‌آیند لذا سازمان امور مالیاتی و ممیزان و همچنین تحلیلگران مالی و مالیاتی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی به عنوان اصلی ترین کاربران این پژوهش محسوب می شوند.

شکل ۱-چارچوب مفهومی پژوهش را نشان می دهد. رابطه بین نظریه رفتار برنامه ریزی شده و تیپ‌های شخصیتی در پیش بینی روحیه و رفتار مودیان مالیاتی را مشخص می‌کند.



شکل(۱): مدل مفهومی پژوهش

[۱] -Ajzen
[۲] - Olexova and Sudzina

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

روش تحقیق

در این قسمت به روش شناسی پژوهش پرداخته شد. با توجه به اینکه ابزار سنجش باید از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا پژوهشگر بتواند داده های متناسب با پژوهش را گردآوری نماید، روایی صوری و سازه پرسشنامه پژوهش حاضر موردبررسی قرار گرفت و آلفای کرونباخ پرسشنامه جهت بررسی پایایی محاسبه گردید. در ادامه این تحقیق، جامعه و نمونه آماری تحقیق بیان شد. روش تجزیه وتحلیل داده ها، بخش دیگری است که در این تحقیق موردبررسی قرار گرفت و روشهای آمار توصیفی و آمار استنباطی مربوطه و نرم افزارهای استفاده شده (پی ال اس[1]، اس پی اس اس) تشریح گردید.

با تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران استفاده گردید. برای استفاده از نمونه یک جامعه محدود بهترین روش فرمول کوکران است. فرمول کوکران به امکان انتخاب حجم نمونه را با توجه به دقت دلخواه، سطح اطمینان مطلوب و نسبت یا میانگین برآورد شده از ویژگی صفت مورد نظر در جامعه را می‌دهد. با توجه به اینکه فرمول کوکران برای داده‌های پیوسته و گسسته متفاوت می‌باشد، تعیین حجم نمونه در یک مطالعه مبانی مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به متغیرهای اولیه اندازه‌گیری، برآورد خطا، سطح آلفا، حاشیه خطای قابل قبول و برآورد واریانس یا نسبت اشاره نمود (سرمد و همکاران، ۱۳۹۲).

$$n = \frac{N \times z^{2} \, {}^{\alpha}/_{2} \times \delta^{2}}{(N-1) \times \varepsilon^{2} + z^{2} \, {}^{\alpha}/_{2} \times \delta^{2}}$$

N= حجم جامعه آماری

n= حجم نمونه آماری

Z= مقدار متغیر نرمال متناظر با سطح اطمینان مورد نظر برای فاصله اطمینان ۹۵٪ که برابر ۱/۹۶ می باشد.

□۲ = واریانس جامعه است که برابر با (۰/۵) در نظر گرفته شده است.

ε = مقدار خطای مجاز که برابر (۰/۰۵) می‌باشد.

[1] partial least squares (PLS)

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

گردآوری اطلاعات مربوط به این پژوهش با مراجعه به کتابخانه، مجلات علمی و پایگاه اطلاعات علمی مربوط به این زمینه به دست می‌آید، از این رو برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. بدین ترتیب مبانی نظری پژوهشی از کتاب ها، مجلات و سایت های تخصصی فارسی و لاتین گردآوری و داده های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه ۵ عاملی نئو حاصل شد.

داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. اغلب پژوهش های پیشین همبستگی است که تنها، تجزیه و تحلیل داده های خطی تک مرحله ای با استفاده از روش مدلیابی ساختاری SEM[1] مدنظر شان بوده است(صُهیب و همکاران، ۲۰۱۹). در مدل نظری، استفاده از مدلیابی ساختاری تک مرحله‌ای می‌تواند ارتباطات خطی بین عوامل را شناسایی کند و اینها برای پیش‌بینی فرآیند تصمیم‌گیری پیچیده کافی نیستند.

یافته‌های پژوهش

جدول زیر نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در تحقیقات علمی، یکی از مفروضات اساسی برای استفاده از بسیاری از آزمون‌های پارامتریک، نرمال بودن توزیع داده‌هاست. قبل از اجرای آزمون‌های آماری، لازم است نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای مورد مطالعه بررسی شود. در این جدول، شاخص‌های مرکزی (میانگین)، شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار)، شاخص‌های چولگی (کجی) و کشیدگی و همچنین آماره Z کولموگروف–اسمیرنوف و سطح معنی‌داری آن برای هر یک از متغیرهای مطالعه شده ارائه شده است. این اطلاعات به ما کمک می‌کند تا توزیع داده‌های هر متغیر را بررسی کرده و نرمال بودن آن را آزمون کنیم.

جدول (۱): شاخصهای مرکزی پراکندگی و آماره Z جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده ها

متغیرها	N	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	Z	مقدار p
نگرش	۳۰۲	۲۰,۶۱۲	۵,۵۸۹	−۰,۲۰۳	۱,۰۱۲	۰۳۲.	۰,۲۰۰
هنجارهای ذهنی	۳۰۲	۱۱,۹۵۷	۳,۶۷۴	−۰,۲۴۵	−۰,۰۱۰	۰۴۱.	۰,۲۰۰
کنترل رفتاری ادراکی	۳۰۲	۱۲,۱۷۸	۳,۶۳۸	−۰,۱۶۲	۰,۰۴۶	۰۴۷.	۰,۲۰۰

[1] Structural Equation Modeling

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

قصد فرار مالیاتی	۳۰۲	۸,۸۹۷	۲,۹۸۱	-۰,۰۶۵	-۰,۳۵۵	۰۵۷.	۰,۲۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف متغیرهای پیشبین استفاده شد که مقادیر آن برای هر یک از متغیرها جدی از توزیع بهنجار ندارند و کجی توزیع نمره ها در دامنه (۲ و ۲-) و کوچکتر از ۱۰ بودند. همچنین آماره تحمل (Tolerance)، این پژوهش کشیدگی در دامنه (۳) و ۳ - قرار دارد بنابراین میتوان توزیع داده ها را تقریبا ۲ را نشان داد در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای بهنجار فرض کرد از عامل تورم واریانس (VIE) برای رابطه خطی بین پژوهش ارائه شده است.

جدول (۲): ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	قصد فرار مالیاتی	نگرش مالیاتی	هنجارهای ذهنی مالیاتی	وظیفه شناسی	کنترل رفتار ادراکی مالیاتی
قصد فرار مالیاتی	۱	- ۰.۴۸۳	- ۰.۴۱۱	- ۰.۵۳۳	- ۰.۴۶۳
نگرش مالیاتی	- ۰.۴۸۳	۱	۰.۵۲۸	۰.۶۴۶	۰.۵۰۹
هنجارهای ذهنی مالیاتی	- ۰.۴۱۱	۰.۵۲۸	۱	۰.۵۹۹	۰.۴۸۱
وظیفه شناسی	- ۰.۵۳۳	- ۰.۶۴۶	۰.۵۹۹	۱	۰.۵۹۶
کنترل رفتار ادراکی مالیاتی	۰-.۴۶۳	۰-.۵۰۹	۰.۴۸۱	۰.۵۹۶	۱

P<۰/۰۱**

این جدول ماتریس همبستگی بین متغیرهای مختلف را نشان می دهد. اعداد در جدول، ضرایب همبستگی پیرسون بین هر جفت متغیر هستند که بین -۱ و ۱ قرار دارند. مقادیر نزدیک به ۱ نشان دهنده همبستگی قوی مثبت و مقادیر نزدیک به -۱ نشان دهنده همبستگی قوی منفی است. این نتایج نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی با متغیرهای مربوط به رفتار مالیاتی مانند روحیه، نگرش و هنجارهای ذهنی مالیاتی رابطه مثبت دارند، در حالی که روان رنجوری رابطه منفی با این متغیرها دارد.به منظور بررسی روایی واگرا از آزمون فورنل و لارکر استفاده شد که نتایج مجذور واریانس استخراج شده از آن برای بررسی روایی واگرا در جدول ۳ گزارش شده است.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

جدول (۳): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش بر اساس نسبت همبستگی HTMT

	قصد فرار مالیاتی	نگرش مالیاتی	هنجارهای ذهنی مالیاتی	وظیفه شناسی
قصد فرار مالیاتی				
نگرش مالیاتی	۰.۹۵۷			
هنجارهای ذهنی مالیاتی	۰.۳۲۷	۰.۳۲۶		
وظیفه شناسی	۰.۳۵۹	۰.۴۸۴	۰.۲۵۶	
کنترل رفتار ادراکی مالیاتی	۰.۳۲۳	۰.۴۵۲	۰.۳۲۳	۰.۴۹۷

P<۰/۰۱**

جهت بررسی روایی واگرا[۱] از دو معیار فورنل[۲] و لارکر ونسبت همبستگی های هتروتریت–مونوتریت[۳] (HTMT) استفاده شده است. با توجه به جدول ۵ براساس معیار فورنل و لارکر، ریسه میانگین واریانس مشترک (روی قطر) متغیرها از ضریب همبستگی (غیر قطری) آن ها بزرگتر بود و همچنین مقدار نسبت HTMT برای متغیرهای مدل پیشنهادی بین بازه ۰/۴۴۱ تا ۰/۵۱۸ به دست آمد که از مقدار توصیه شده ۰/۸۵ پایین تر بود. بنابراین الگوی پیشنهادی از روایی واگرای مناسبی برخوردار است.

جدول (٤) روایی همگرا وپایایی متغیرهای پژوهش

	CA	DG rho	CR	AVE	VIF
قصد فرار مالیاتی	۰.۷۳۱	۰.۷۳۳	۰.۷۲۵	۰.۴۶۸	۱,۱۵۰
نگرش مالیاتی	۰.۶۰۳	۰.۶۰۴	۰.۷۴۵	۰.۵۹۵	۲.۱۸۳

[۱] Divergent validity
[۲] Fornel
[۳] heterotrait-monotrait

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

هنجارهای ذهنی مالیاتی	۰.۷۴۵	۰.۷۴۹	۰.۷۰۸	۰.۳۷۸	۱.۹۶۱
وظیفه شناسی	۰.۷۱۶	۰.۷۱۴	۰.۷۹۳	۰.۵۴۲	۳.۰۹۷
کنترل رفتار ادراکی مالیاتی	۰.۷۹۵	۰.۷۹۴	۰.۷۲۳	۰.۵۹۶	۱.۸۹

توضیحات: آلفای کرونباخ (CA)؛ پایایی ترکیبی (CR)؛ ضریب رو دیلون گلداشتاین (DG rho)؛ میانگین واریانس استخراج شده (AVE)؛ عامل تورم واریانس (VIF).

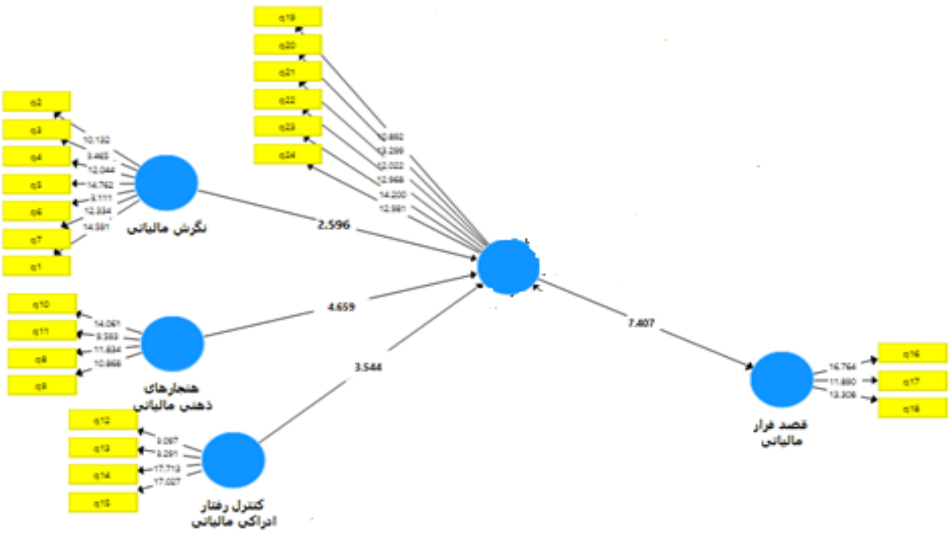
به منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر این که آیا مدل تبیین قصد فرار مالیاتی با توجه به رفتارهای برنامه ریزی شده مالیاتی با نقش تعدیل گر ویژگیهای شخصتی و نقش میانجی روحیه مؤدیان مالیاتی با داده ها تجربی برازش دارد؟، از روش مدلیابی معادلات ساختاری و نرم افزار PLS-SMART استفاده شده است. در جدول ۵ مهمترین شاخص های برازش گزارش شده است.

جدول (۵): تفسیر شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

شاخص برازش مدل	Saturated Model	Estimated Model
SRMR	۰.۰۵۹	۰.۰۶۲
d_ULS	۱۲.۲۶۴	۱۳.۵۳۴
d_G	۳.۷۷۷	۳.۸۱۹
Chi-Square	۵,۱۶۸.۲۸	۵,۲۰۹.۷۵
NFI	۰.۳۹۸	۰.۳۹۳

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول ۵ در مورد شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری، می توان موارد زیر را تفسیر کرد: ۱. SRMR (ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده): این شاخص برای مدل اشباع شده ۰,۰۵۹ و برای مدل برآورد شده ۰,۰۶۲ است. مقادیر کمتر از ۰,۰۸ نشان دهنده برازش خوب مدل است. در نتیجه، مقادیر SRMR در این مدل قابل قبول هستند.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]



شکل (۲): مدل ساختاری پژوهش

نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه آماره t کلیه متغیرها بزرگتر از ۱,۹۶ لذا رفتار برنامه ریزی شده شامل نگرش مالیاتی، هنجارهای ذهنی مالیاتی و کنترل رفتار ادراکی مالیاتی بر رفتار مودیان مالیاتی منجر به افزایش قصد فرار مالیاتی می شود.

نتیجه گیری

فرار مالیاتی یکی از چالش‌های مهم در نظام‌های مالیاتی کشورها محسوب می‌شود که عواقب اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه دارد. شناسایی عوامل موثر بر قصد و رفتار فرار مالیاتی از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش به بررسی نقش نظریه رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی در پیش بینی روحیه و رفتار مؤدیان مالیاتی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر تیپ های شخصیتی می پردازد. روش تحقیق این پژوهش از نوع آمیخته اکتشافی بود که در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در مرحله اول به روش کیفی دلفی و با نظرسنجی از خبرگان حوزه مالیات، پرسشنامه های رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی، روحیه مؤدیان مالیاتی و قصد فرار مالیاتی طراحی و ساخته شدند. در مرحله دوم کمی، با استفاده از این پرسشنامه های استاندارد ساخته شده، داده ها از مؤدیان مالیاتی شهر رشت جمع آوری گردید. سپس داده های گردآوری شده با

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

رویکرد ترکیبی مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل شدند. نتایج نشان دادند رفتار برنامه ریزی شده شامل نگرش مالیاتی، هنجارهای ذهنی مالیاتی و کنترل رفتار ادراکی مالیاتی بر رفتار مودیان مالیاتی منجر به افزایش قصد فرار مالیاتی می شود.

اگر مؤدیان مالیاتی احساس کنند در حق آنها اجحاف شده است، یعنی اگر آنها شاهد باشند که کارمندان و کم‌درآمدها به موقع و به حق مالیات خود را پرداخت می‌کنند ولی عدهای که درآمد بالایی دارند از پرداخت مالیات طفرئه می‌روند و سیستم مالیاتی در مقابل آنها نرمش نشان می‌دهد، در اینصورت عدم تمکین مالیاتی افزایش می‌یابد(رسولی، ۱۳۸۱). تحقیقات مختلفی (مورفی ۲۰۰۳، آلم و گومز ۲۰۰۸، دووس ۲۰۱۲، وود وارد و تن۲۰۱۵، کسل و همکاران ۲۰۱۶، پنتیا و همکاران ۲۰۱۶، جیمنز و لایر ۲۰۱۶ ، صامتی و همکاران ۲۰۱۶، زنگانه و آریایی نژاد ۱۳۹۳، آقایی ۱۳۸۰، لاری و همکاران ۱۳۹۵،کرمشاهی و صامتی ۱۳۹۷، نقیبی و امیدی ۱۳۹۵، رمضانی و فتاحی ۱۳۹۵) نشان دادند که بین عدالت درک شده از سیستم مالیاتی و اعتماد به آن و سطح عدم تمکین مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

دورنبرگ و پیچل (۲۰۱۷) نگرش نسبت به دولت را تحت عنوان مفهوم "همکاری مشروط" بیان می‌کند. یعنی یک مؤدی به شرطی تمکین‌کننده مالیاتی است که در ازای پرداخت‌های مالیاتی که انجام می‌دهد خدمات باکیفیتی از دولت دریافت نماید. لوی (۱۹۸۸) این نگرش را براساس مفهوم " قرارداد عمودی" مطرح کرد. قرارداد عمودی، قراردادی است بین دولت و مؤدی مالیاتی در این زمینه که آیا به همان میزانی که مؤدی مالیات پرداخت می‌کند خدمات عمومی دریافت می‌کند. بعداً لسن (۲۰۰۳) بیان کرد که قرارداد عمودی، پاسخ به این سئوال است که آیا کالا و خدمات سیاسی که مردم دریافت می‌کنند متناسب با بازده پرداختهای مالیاتی توسط مردم هست یا نه. ارتگا و همکاران (۲۰۱۳) معتقد بودند زمانی که مؤدیان از عملکرد دولت راضی نباشند و نتوانند محل مصرف منابع توسط دولت را ردیابی و مشاهده کنند، آنگاه نرخ تمکین مالیاتی کاهش خواهد یافت.

منابع

۱. بخردی نسب، وحید و خوشدل، علی. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر تصمیم‌های فردی در پرداخت مالیات‌های اسلامی. حسابداری. *حسابرسی و تامین مالی در محیط های اسلامی*، ۱(۲)، ۱۵۷-۱۳۰.

۲. فرجی، عبدالرضا؛ نفری، ندا و محمدی مقدم، یوسف. (۱۴۰۲). آینده پژوهی انگیزه‌های ناشی از راهبردهای استعدادیابی حسابرسان مالیاتی به عنوان محرک پیامدهای پایداری مالیاتی شرکت‌ها. *دانش حسابرسی*، ۲۳ (۹۰)، ۲۰۵-۱۶۷.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]

۳. Ajzen, I. (۱۹۹۱). The theory of planned behavior. Organizational Behavior and Human Decision Processes, ۵۰, ۱۷۹-۲۱۱. De Young, ۵۰۹-۵۲۶.
٤. Ajzen, I. (۲۰۰۵). Attitudes, Personality and Behavior Second Edition. Open University Press.
۵. Bobek, D., dan Hatfield. (۲۰۰۳). An Investigation of the Theory of Planned Behavior and the Role of Moral Obligation in Tax Compliance. Behavioural Research In Accounting, ۱۵(۱), pp ۱۳-۳۸.
٦. Chen, M. (۲۰۱۷). Modeling an Extended Theory of Planned Behavior Model to Predict Intention to Take Precautions to Avoid Consuming Food with Additives. Food Quality and Preference, ۵۸, ۲٤-۳۳.
۷. Damayanti, T. W. (۲۰۱۵). Analisis Kepatuhan Wajib Pajak Tinjauan Berdasarkan Teori Perilaku Terencana dan Teoeri Psikologi Fiskal Dengan Orientasi Ketidakpastian Dan Orientasi Religiusitas Sebagai Variabel Moderasi. Disertasi Program Doktor Ilmu Akuntansi, Program Pascasarjana Fakultas Ekonomi dan Bisnis Universitas Brawijaya.
۸. Ernawati, D. W. (۲۰۱۰). Pengaruh Sikap, Norma Subjektif, Kontrol Perilaku Yang Dipersepsikan Dan Sunset Policy Terhadap Kepatuhan Wajib Pajak dengan Niat Sebagai Variabel Intervening. (Studi Empiris pada Wajib Pajak Badan KPP Pratama Jakarta Pluit). Tesis. Program Magister Akuntansi. Program Pascasarjana Universitas Brawijaya.
۹. Hidayat, W., and Nugroho, A.A. (۲۰۱۰). Studi Empiris Theory of Planned Behavior dan Pengaruh Kewajiban Moral pada Perilaku Ketidakpatuhan Pajak Wajib Pajak Orang Pribadi. Jurnal Akuntansi Dan Keuangan, ۱۲ (۲), pp ۸۲-۹۳.
۱۰. Kaulu, B. (۲۰۲۲). Determinants of Tax Evasion Intention using the Theory of Planned Behavior and the Mediation role of Taxpayer Egoism. Fudan J. Hum. Soc. Sci. ۱۵, ٦۳–۸۷ https://doi.org/۱۰,۱۰۰۷/s٤۰٦٤۷-۰۲۱-۰۰۳۳۲-۸.
۱۱. Kirchler, E., Hoelzl, E., Wahl, I. (۲۰۰۸). Enforced versus voluntary tax compliance: The “slippery slope” framework. Jurnal of Economic Psychology, ۲۹ pp ۲۱۰-۲۵۵.
۱۲. Mencer, J., and Clayton, D. (۲۰۱۲). Psikologi Sosial. Jakarta: Erlangga.
۱۳. Mustikasari, E. (۲۰۰۷). Kajian Empiris tentang Kepatuhan Wajib Pajak Badan di Perusahaan Industri Pengolahan di Surabaya. Simposium Nasional Akuntansi pp ۱۸-۲۰ Universitas Hasanuddin Makassar.
۱٤. Olexova, C., & Sudzina, F. (۲۰۱۹). Does Personality Influence Willingness to Pay Taxes? Ekonomicky Casopis, ٦۷(۱۰), ۱۰۵۵-۱۰٦۹.
۱۵. Owusu, G.M.Y., Bart-Plange, M.-A., Koomson, T.A.A. and Arthur, M. (۲۰۲۱), "The effect of personality traits and tax morale on tax evasion intention", Journal of Financial Crime, Vol. ۲۹ No. ۱, pp. ۲۷۲-۲۹۲. https://doi.org/۱۰,۱۱۰۸/JFC-۰۲-۲۰۲۱-۰۰۲٦.

[Downloaded from danesh.dmk.ir on 2026-11-12]